**یادداشتهائی درباره ابیات عربی کلیله بهرام شاهی و مأخذ و کویندگان آن ابیات**

**مهدوی دامغانی، احمد**

من الخفرات البیض ودّ جلیسها اذا ما انقضت أحدوثة لو تعیدها

میان چند قصیده از«کثیر عزة»و«ابن الدمینة»و«حسین بن مطیر اسدی»و«عوام‏ بن عقبة بن کعب بن زهیر»که همه بر این روی و قافیه است خلط شده و برخی تذکره‏نویسان و ارباب کتب ادب ابیات این قصاید را با یکدیگر آمیخته نقل کرده‏اند از جمله بیت ما نحن فیه را (خالدیان)در(الاشباه و النظائر-ج 1 ص 197-198)در ضمن ابیات قصیده«عوام بن عقبة» آورده‏اند اما«ابو الفرج»در(اغانی-7 ر 143)و ابن عبدربه در(عقد الفرید-4 ر 121)و «انطاکی»در(نزئین الاسواق-30)و از متأخرین مرحوم«زکی مبارک»در(عصر المأمون-2 ر 126) این بیت را جزء ابیات قصیده«کثیر عزة»آورده‏اند و ظاهرا همین صحیح است اینک ابیات ما قبل‏ و ما بعد آن:

و کنت اذا مازوت«سعدی»بارضها أری الارض تطوی لی و یدنو بعیدها منعمة لم تلق بؤس معیشة هی الخلد فی الدنیا لمن یستفیدها من الخفرات... .... فتلک التی اصفیتها بمودّتی‏ ولیدا و لما یستبن لی نهودها

\*\*\*

و من حدیث یزیدنی مقة مالحدیث الموموق من ثمن

(ص 311) این بیت از«مالک بن اسماء بن خارجه الفزاری»است در قطعهء از او که«قالی»آنرا در امالی آورده است بمطلع:

یا منزل الغیث بعد ما قنطوا و یا ولی النعماء و المنن

که طی آن گوید:

أذکر من جارتی و مجلسها طرائفا من حدیثها الحسن‏ و من حدیث یزیدنی مقة مالحدیث الموموق من ثمن

\*\*\*

ان طال لم یملل و ان هی أوجزت‏ ودّ المحدثّ انهالم توجز

(312) این بیت از«ابن رومی»شاعر مشهور قرن سوم است در مقطوعهء سه بیتی بدین شرح:

و حدیثها السحر الحلال لواّنه‏ لم یجن قتل المسلم المتحرز ان طال لم.... .... شرک العقول و نزهة ما مثلها للمطمئن و عقلة المستوفز

دیوان ص 409 ثعالبی گوید از این گفته«ابن رومی»دربارهء«خوش‏صحبتی»چیزی شیواتر نشنیدم.و«عسکری» نیز میگوید:برتر سخنی که شاعران محدثین دربارهء وصف سخن زنان سروده‏اند همین ابیات‏ «ابن رومی»است.(من غاب عنه المطرب ص 83\_دیوان المعانی ج 1 ص 242)

\*\*\*

انام مل‏ء جفونی عن شواردها و یسهر الخلق جراها و یختصم

(312) بیت مشهور«متنبی»در قصیده بسیار معروف او بمطلع:

و احرّ قلباه ممن قلبه شبم‏ و من بجسمی و حالی عقده سقم

که در آن در وصف شعر و بیان مقام سخن خویش گوید:

انا اّلذی نظر الاعمی الی ادبی‏ و اسمعت کلماتی من به صمم‏ أنام مل‏ء جفونی... ....

\*\*\*

و لکن بکت قبلی فهاج لی البکا بکاها فقلت الفضل للمتقدم

(314) شعر مشهور«عدی بن رقاع العاملی»است که تمام آن و جمله اخیرش بتنهائی در حکم‏ امثال سائره است.این بیت ضمن مقطوعه‏ای چهار بیتی است و این بنده بیش از چهار بیت در جائی نیافته‏ام و با عدم دسترسی بدیوان نمیتواند بگوید که آیا ان چهار بیت جزو قصیده ایست‏ یا خود بتنهائی مقطوعه مستقلیست.و اینک آن ابیات:

و مسا شجانی اننی کنت نائما اعلل من برد بطیب التنسم‏ الی أن بکت ورقاء فی غضن أیکة تردد مبکاها بحسن الترنم‏ فلو قبل مبکاها بکیت صبابة ببعدی شفیت النفس قبل التندم‏ و لکن بکت قبلی فهیج... ....

کامل مبرد ص 27 ر2-مقدمه دفتر چهارم مثنوی شریف)

«ابن منظور»در(نثار الازهاز ص 75)پس از ایراد چهار بیت فوق گوید«این روایت‏ اهل مغرب است و روایت اهل مشرق از این ابیات طرزی دیگر است»و سپس دو بیت اول را بصورت دیگر نقل میکند.

«شریشی»صاحب شرح مقامات حریری معتقد است که عدی بن رقاع این ابیات را در تحت‏ تأثیر اشعار«نصیب»شاعر سیاه‏پوست معروف عصر اول اموی سروده است که:

لقد هتفت فی جنح لیل حمامة علی فنن تدعوا و انی لنائم

فقلت اعتذار عند ذاک و اننی‏ لنفسی فیما قد رأیت للائم‏ أأزعم انی عاشق ذو صبابة بلیلی و لا ابکی و تبکی البهائم‏ کذبت و بیت اللّه لو کان عاشقا لما سبقتنی بالبکاء الحمائم

(شرح مقامات ص 15 ج 1-شرح امضنون به 247)

راقم بیمقدار این سطور احتمال میدهد که شدت شباهتی که این اشعار«نصیب»باشعار «عدی بن رقاع»دارد موجب شده است که امر بر«جاحظ»مشتبه شود و او صریحا اشعار ما نحن فیه عدی بن رقاع را به«نصیب»نسبت دهد.(الحیوان جاحظ ج 3 ص 64)

باری این مضمون مورد عنایت شعرای پیش از«عدی»و«نصیب»نیز بوده و قصیده«میمیه» «حمید بن ثور الهلالی»شاعر مخضرم و صحابی بزرگوار در این باب مشهور است و همچنین در زبان‏ فارس اشعار شیخ اجل که بر همین مبنی و منوال است.

دوش مرغی بصبح می‏نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش‏ یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید بگوش‏ گفت باور نداشتم که ترا بانگ مرغی چنین کند مدهوش‏ گفتم این شرط آدمیت نیست‏ مرغ تسبیح‏خوان و من خاموش

و برای مزید استفصا در این‏باره رجوع فرمایند به«الف لیلة و لیلة»(ح 2ص 13\_14)که‏ قصیدهء مشتمل بر چهارده بیت(از جمله دو بیت اخیر همین چهار بیت ما نحن فیه)در آن آمده است. \*\*\*

و انا لنصبح اسیافنا اذا ما اصطبحن بیوم سفوک‏ منا برهن بطون الارکف‏ و أغماد هن رؤس الملوک

(215) 1-«حصری»در ذیل(زهر الاداب)ص 156 این دو بیت را بضمیمه بیت ثالثی به(علی‏ ابن محمد علوی)یعنی(صاحب الزنج)نسبت داده است و بیت سوم آن چنینست:

و مالی فی الخلق من مشبه‏ و لا فی الکتاب العلی من شریک

2-محمد بن عبد الملک همدانی در ذیل تاریخ طبری موسوم به(تکلمه)ص 270 و «سید»در«انوار الربیع»ص 480 و«عسکری»در«دیوان المعانی»ج 2 ص 156 این دو بیت را به(علی بن محمد بن جعفر بن محمد بن زید الشهید)معروف به(علوی حمانی)نسبت داده‏اند.

3-محمد بن داود بن جراح در«الورقة»این دو بیت را به(ابی الجهم احمد بن سیف- الانباری الکاتب)نسبت داده است.

4-در حماسه ج 1 ص 99 و شرح خطیب و مرورقی بر آن ص 147 ج 1 بدون ذکر نام‏ گوینده آمده است ولی«ابن ابی الحدید»در(شرح نهج البلاغة)می‏گوید:

«...و قال بعض الطالبین،و انا لنصبح.....الخ...»(ج 1 ص 316)